

تکریم سالمندان در خانواده بر اساس آموزه‌های رضوی و تعالیم دینی

چکیده

دین اسلام جایگاه رفیعی برای سالمندان در نظر گرفته و خداوند در قرآن مکرر آیاتی پیرامون احترام به والدین و سالمندان بیان نموده است و ارزش معنوی این عمل را پس از ایمان به توحید و ارکان آن قرار داده است. لذا سالمندان در جامعه و خانواده از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای برخوردارند که در سیره معصومان مخصوصاً در سیره امام رضا (ع) به این امر توجه زیادی شده است. هدف پژوهش حاضر که با شیوه توصیفی-تحلیلی و با استناد به منابع روایی و کتابخانه‌ای - اینترنتی انجام شده است، بررسی تکریم سالمندان در خانواده براساس آموزه‌های دینی و سیره رضوی است. در نتیجه مشخص گردید که سالمند در خاندان خود مانند پیامبر در امت خویش بوده و احترام و تکریم او در کنار برآوردن احتیاجات عاطفی، معیشتی، تفریحی، مشارکت در امور مختلف و امنیت بوده و دلجویی، محبت و مهربانی، احترام، انجام و برآوردن احتیاجات، کمک و ... لازم بوده و از مهم‌ترین شیوه‌های تکریم ایشان در تعالیم دینی و سیره رضوی است.

واژگان کلیدی: تکریم، خانواده، سالمندان، مهربانی، تعالیم دینی، سیره رضوی.

۱- مقدمه و بیان مسئله

دین مبین اسلام همواره بر تکریم انسان‌های دیگر و خصوصاً افراد خانواده و سالمندان تاکید داشته است و ائمه معصومین نیز همواره در رفتار و گفتارشان بر آن اصرار ورزیدند. امام رضا(ع) در مورد جایگاه تکریم کننده خانواده در آخرت می‌فرماید: «رسول الله فرمود در قیامت نزدیکترین شما به من از نظر مقام و جایگاه خوشخوترین شما است، و خوب‌ترین شما آن کس است که با خانواده خود به نیکی و مهربانی رفتار نماید» (ابن بابویه، ۱۳۸۳، ج ۲: ۳۸). یکی از مصداق‌های مهربانی و تکریم خانواده خوش‌رفتاری با سالمندان و تکریم آنان در خانواده و اجتماع است. امام سجاد(ع) در رابطه با ارزش و احترام به سالخوردگان و سالمندان فرمودند: «إِنْ يَكُونُ شَيْوَحُهُمْ بِمَنْزِلَةِ أَبِيكَ وَ شَبَابُهُمْ بِمَنْزِلَةِ إِخْوَتِكَ وَ عَجَائِزُهُمْ بِمَنْزِلَةِ أُمِّكَ وَ الصَّغَارُ بِمَنْزِلَةِ أَوْلَادِكَ؛ تو را به این معنی سفارش می‌کنم که بزرگان آنان را پدر خود و جوانان آنان را برادر خود و پیرزنانشان را مادر خود و افراد کوچکشان را فرزند خود محسوب داری...» (ابن بابویه، ۱۳۸۳، ج ۲: ۶۲۵).

در دین و آیین اسلام سالمندان و سالخوردگان از جایگاه ویژه و مشابهی برخوردار هستند و تکریم آن‌ها مصداق تعظیم شعائر اسلامی بوده است و موجب تحکیم ارزش‌ها و روابط اجتماعی می‌شود. چنانکه در روایات دینی در خصوص ارزش معنوی و اجتماعی آنان به مثابه برکت، افزایش رحمت و نعمت‌های الهی اشاره شده است و شأن و منزلت آنان به قدری است که در فرمایش پیامبر(ص) احترام به سالخورده امت احترام به خود پیامبر است و هر کس به موی سفید توهین کند، مثل این است که به خود رسول‌الله توهین نموده است و از امام صادق (ع) نقل است؛ کسی که به سالمند و سالخورده احترام نهد، از ما نیست (نخستین، ۱۳۹۳: ۲).

احترام به سالمندان در قرآن که یکی از مصادیق آن والدین سالمند است از جمله مواردی است که نشان می‌دهد سالمندی در دین اسلام از جایگاه والا و ویژه‌ای برخوردار است؛ آنجا که خداوند تبارک و تعالی در ضمن آیه‌ای می‌فرماید: «وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبْلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أَفٍّ وَلَا تَنْهَرُهُمَا وَ قُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا وَ اخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذَّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَ قُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا (اسراء آیه ۲۴-۲۳)؛ پروردگارت فرمان داده جز او را نپرستید و به پدر و مادر نیکی کنید، هر گاه یکی از آن‌ها- یا هر دو آن‌ها- نزد تو، به سن پیری برسند کمترین اهانتی به آنها روا مدار، و بر آنها فریاد مزن، و گفتار لطیف و سنجیده

بزرگوارانه به آن‌ها بگوبال‌های تواضع خویش را در برابرشان از محبت و لطف فرود آر و بگو پروردگارا همان‌گونه که آن‌ها مرا در کوچکی تربیت کردند مشمول رحمتشان قرار ده».

به تبع آیات قرآن در منابع اسلامی و احادیث وارد شده از ائمه معصومین (ع) سالمند، احترام و تکریم او از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. به طوری که از پیری و سالمندی به عنوان نور خدا و برکت خانواده یاد شده است. در روایاتی موی سفید به نور خداوند تشبیه شده است و پیامبر (ص) فرمودند: خداوند می‌فرماید؛ موی سفید (سالمند) نور من است، پس هیچگاه نور خود را با آتش نمی‌سوزانم (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۷: ۳۹۰). سایر ائمه معصومین (ع) نیز احادیث مختلفی در رابطه با احترام و تکریم سالمندان و ارزش آن‌ها در میان خانواده و جامعه بیان کرده‌اند. امام رضا (ع) نیز در سخنی زیبا در این رابطه فرموده‌اند: «لازم است انسان با تمام اطفال و بزرگسالان، مؤدب و با احترام بر خورد کند» (النوری، ۱۴۰۷، ج ۲: ۶۷).

از روایات بیان شده در ارتباط با سالمندان و اینکه بودن آن‌ها در میان خاندان خویش مانند پیامبر در میان امتش است (نیشابوری، بی تا: ۴۷۶) و بزرگ شمردن ریش سفید (سالمند) همانند بزرگ شمردن خدا است (کلینی، ۱۴۰۱، ج ۲: ۱۶۵)، چنین استنباط می‌گردد که تکریم و احترام سالمندان در خانواده و جامعه امری ضروری بوده که باعث می‌گردد، سالمندان احساس تنهایی نکرده و در مقابل مسائل و مشکلات خاص خویش عزت نفس خویش را حفظ کنند (Weeks, 1994) و کرامتش پاس و بزرگ نگه داشته شود.

تکریم و حفظ کرامت انسانی و در این مورد سالمندان اقتضا می‌کند که سالمندشناسان، پرستاران، روانشناسان، جامعه‌شناسان و دیگر کارشناسان حیطه سالمندی از چگونگی، ماهیت و معنای مشکلات ناشی از سالمندی براساس تجارب واقعی و زنده سالمندان - به‌گونه‌ای که در طول زندگی روزمره برای آن‌ها رخ می‌دهد (یک ارتباط پیوسته و مداوم)، مطلع و همچنین از محدودیت‌ها، انتظارات و نیازهای آنان درک و فهمی عمیق، جامع و واقعی داشته باشند، تا بتوانند تصمیمات، مداخلات و اقدامات خود را هرچه بیشتر مرتبط با واقعیات اتخاذ کنند و به آن‌ها جهت مناسب-تری داده (صادق مقدم، ۱۳۹۴: ۲۰۴) و در تحقق کرامت سالمندان اقدامات بیشتری انجام دهند. به همین دلیل بررسی تکریم سالمندان امری ضروری است و مسئله اصلی پژوهش حاضر این است که جایگاه تکریم سالمندان در منابع دینی و سیره رضوی چگونه است و چه دستوراتی در این رابطه بیان شده است؟

۲- اهمیت و ضرورت پژوهش

باتوجه به بهبود شرایط زندگی انسان‌ها و افزایش مراقبت‌های بهداشتی درمانی و به تبع آن افزایش طول عمر و امید به زندگی، ظهور پدیده سالمندی امر گریزناپذیر است (Kinsella & Phillips, 2005) بپدیده افزایش جمعیت در کنار بهبود شرایط زیست انسان‌ها، افزایش جمعیت سالمندان یکی از مهمترین چالش‌های اقتصادی، اجتماعی و بهداشتی قرن ۲۱ به شمار می‌رود (Lunenfeld, 2002) و احتمالاً مهمترین پدیده دموگرافیک جهان در پایان قرن ۲۰ و شروع قرن ۲۱ است (تباری و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۸).

روندهای جمعیتی، نسبت افراد سالخورده را در کشورهای صنعتی و در کل جهان افزایش داده است. با وجود این در عین حال موقعیت اجتماعی افراد سالمند در جوامع امروزی بسیار متزلزل‌تر از آن است که در بسیاری از فرهنگ‌های قدیمی‌تر بود؛ در آن‌ها پیری اغلب، اعتبار اجتماعی و ثروت و قدرت به همراه می‌آورد. افراد سالمند نه تنها موقعیت مستحکمی در اجتماع داشتند، بلکه وظایف مهمی را در خانواده معمولاً بر عهده می‌گرفتند. اما امروزه شاهد آن هستیم که تا اندازه زیادی این موقعیت از میان رفته است (گیدنز، ۱۳۸۳: ۶۵۲) و سالمندان ارزش و اعتبار گذشته خود را تا حدودی از دست داده و حتی دچار مسائل و مشکلات مختلف گردیده‌اند.

طبق مطالعات انجام شده ۸۰ درصد افراد سالمند از انواع اختلالات جسمی و روانی رنج می‌برند و هنوز هم علی‌رغم پیشرفت روزافزون علم پزشکی سال‌های آخر زندگی همراه با بیماری و ناتوانی است (Smeltzer et al, 2010) و سالمندان را که نیاز به مراقبت بیشتری دارند، با مشکلات فراوان روبرو گردانیده است. این در حالی است که دین مبین اسلام و آیات قرآن، ارزش سالمندان را پس از ایمان به توحید و ارکان آن دانسته (نک؛ اسراء آیه ی ۲۳) و خداوند به طور مکرر در قرآن کریم توصیه به احترام و تکریم والدین و سالمندان نموده و از نظر جایگاه انسانی و اعتقادی و درجات معنوی این مورد را پس از عبادت خویش قرار داده است. از اینرو لازم است تا در رابطه با سالخوردگان رفتار و تغییر نگرش جدی صورت گرفته و آن‌ها مورد دلجویی، محبت و احترام قرار گیرند و شخصیتشان گرامی داشته شود (عطایی و منصوری، ۱۳۹۴: ۳۶۳).

در تقسیم بندی که از سالمندان انجام شده است آن‌ها به سه گروه جوان بین سنین ۶۰ تا ۷۵، میان سال بین سنین ۷۵ تا ۹۰ و کهنسال ۹۰ سال به بالا تقسیم می‌شوند. در حال حاضر حدود ۶۵۰ میلیون نفر از جمعیت جهان را افراد بالای ۶۰ سال تشکیل می‌دهند و تا سال ۲۰۵۰ میلادی پیش‌بینی می‌شود این رقم به ۲ میلیارد نفر برسد (جوادیان، ۱۳۹۴: ۲۹) که این تعداد از جمعیت و مسائل و مشکلات خاص آن‌ها یکی از ضرورت‌های اساسی و مهم در پرداختن به تکریم و حفظ کرامت آن‌ها است. به همین دلیل ارزش و اهمیت پژوهش برای آن است تا ابتدا ارزش و جایگاه سالمندی را که در جوامع جدید و معاصر تا حدودی به فراموشی سپرده شده است (رشد خانه‌های سالمندی و نگهداری از سالمندان مؤید این مطلب است)، مشخص ساخته و همچنین بر این نکته صحنه گذارد که برخورداری از کرامت در دوران سالمندی سبب می‌شود که فرد احساس رضایت کرده و کیفیت زندگی‌اش ارتقا یابد و بهتر گردد. در واقع کرامت سالمندان، ارتباط تنگاتنگی با کیفیت زندگی داشته است. بنابراین شناخت حقیقت کرامت و درک پدیده موجود در سالمندان ضروری بوده و منجر به شناخت هرچه بهتر آنان خواهد شد (Anderberg & Berglund, 2010) و پس از آن لازم است، مهم‌ترین موارد تکریم سالمندان در تعلیم دینی و مخصوصاً آموزه‌های اخلاقی و تربیتی امام رضا(ع) بیان، توصیف و تحلیل شود.

۳- پیشینه پژوهش

بانگاهی به پژوهش‌های پیشین مشخص می‌شود که سالمندی به دلیل آن که یکی از مهم‌ترین دوره‌های زندگی انسان ماست و درک و فهم از آن از اهمیت بالایی برخوردار است، از منظر پژوهشگران به دور نمانده و در رابطه با آن آثار مختلفی تحریر شده است که در ادامه به چند نمونه از آن‌ها اشاره می‌گردد؛

از مقالات و پژوهش‌های انجام شده در این زمینه می‌توان به مقاله و کار تحقیقی بهرامی و رضانی فرانی (۱۳۸۸) با عنوان؛ «بهداشت روان سالمند در قران و حدیث» اشاره نمود که ضمن تعریف سالمندی از منظر قران و حدیث و مشخص نمودن ارزش، اهمیت و جایگاه آن در زندگی و حق و حقوقی که دارند، به شیوه‌های رفتار و گفتار با آن‌ها پرداخته شده و سالمند را از سه زاویه نگاه مردم، نگاه حکومت و نقش والدینی آن‌ها در مقابل فرزندان مورد بررسی قرار گرفته و کمتر به تکریم و بزرگداشت سالمندان و شیوه‌های حفظ این کرامت پرداخته شده است.

ماکویی (۱۳۹۱) در مقاله خود با عنوان؛ «تکریم سالخوردگان در فرهنگ مردم؛ جایگاه خرد و تجربه»، به بررسی فرهنگ‌ها و آیین مردم ایران در ارج نهادن و احترام به سالخوردگان پرداخته است و معتقد است که در میان افسانه‌ها، ترانه‌ها، ضرب المثله‌ها و آیین‌های مختلف ملی، مذهبی و اجتماعی تکریم سالمندان به صورت‌های مختلف متجلی است. اگرچه آیین‌ها و سنت‌های مختلف در مورد تکریم سالمندان در این پژوهش به خوبی بررسی شده است، ولی در رابطه با آموزه‌های اسلامی - قرآنی دارای نقاط ضعف است

در پژوهشی دیگر با عنوان؛ «تبیین مفهوم استقلال در حفظ کرامت سالمند: مطالعه کیفی»، تباری و همکاران (۱۳۹۵)، ضمن تعریف سالمندی و جایگاه آن در چرخه زندگی، به بررسی مفهوم کرامت نیز پرداخته و با رعایت اخلاق پژوهش به بررسی پدیده تنهایی سالمندان در این دوره از زندگی و مسائل و مشکلات آن‌ها که از منظر خودشان تهدیدی برای کرامت‌شان است، پرداخته و در نهایت به این نتیجه رسیده که فراهم نمودن استقلال در سالمندان زمینه را برای تقویت روحیه و حفظ کرامت آن‌ها ضروری است. اگر چه این نویسندگان به کرامت انسانی در دوره حساس سالمندی توجه داشته، ولی به نظر می‌رسد که تنها حفظ استقلال سالمندان نمی‌تواند به تنهایی باعث تکریم آن‌ها گردد.

از سایر پژوهش‌های مرتبط با پدیده سالمندی و ارزش و اهمیت این دوره از زندگی می‌توان به پژوهش‌های دیگری همچون؛ جوادیان (۱۳۹۴)؛ «مددکاری اجتماعی سالمندان»، سجادی پویا (۱۳۹۲)؛ «جایگاه سالمندان در دین اسلام»، مخبر (۱۳۸۸)؛ افسردگی در سالمندان (کتاب)، سیدمیرزایی (۱۳۸۶)؛ «ملاحظات پیرامون ابعاد سالمندی با نگاهی به تجربه ژاپن»، و سایر پژوهش‌های پیرامون این موضوع اشاره نمود.

۴- سوالات پژوهش

- ارزش و جایگاه سالمندی در آیات قرآن چگونه و چه دستوراتی در رابطه با سالمندان در قرآن بیان شده است؟
- عوامل مؤثر تکریم سالمندان در خانواده از منظر تعلیم دین و خصوصاً آموزه‌های رضوی چیست؟

۵- روش پژوهش

پژوهش حاضر به شیوه توصیفی - تحلیلی انجام شده است و سعی نموده است تا با بهره‌گیری از اسناد معتبر و منابع کتابخانه‌ای، مروری و اینترنتی پیرامون سالمندان و مهم‌ترین آموزه‌های دینی و رضوی در رابطه با تکریم سالمندان را بررسی، توصیف و تحلیل نماید. سالمندی پدیده‌ای منحصر به جامعه‌ای خاص نیست و در تمام جوامع بشری وجود دارد. اما تکریم آن‌ها در اسلام و تعلیم دینی مسلمانان و در آموزه‌های رضوی به صورت ویژه مورد توجه است.

۶- مفهوم شناسی

- تکریم

علامه طباطبایی ذیل تفسیر آیه ۷۰ از سوره اسراء و توضیح کرامت انسانی و تکریم بیان می‌کند که؛ مقصود از تکریم اختصاص دادن به عنایت و شرافت دادن به خصوصیتی است که در دیگران نباشد، و با همین خصوصیت است که معنای «تکریم» با «تفضیل» فرق پیدا می‌کند، چون تکریم معنایی است نفسی و در تکریم کاری به غیر نیست، بلکه تنها شخص مورد تکریم مورد نظر است که دارای شرافتی و کرامتی بشود، به خلاف تفضیل که منظور از آن این است که شخص مورد تفضیل از دیگران برتری یابد، در حالی که او با دیگران در اصل آن عطیه شرکت دارد (طباطبایی، ۱۳۷۱، ج ۱۳: ۱۵۵).

واژه «تکریم» در لغت به معنای گرمی داشتن، احترام کردن و نیکویی رساندن به انسان است و در اصطلاح، برخوردها، رفتارها و روابط مبتنی بر ارج نهادن انسان‌ها به یکدیگر را تکریم گویند. شخصیت انسان، از دیدگاه قرآن و روایات بسیار والا است. برای نمونه، خداوند در آیه ۳۰ سوره بقره، درجه انسان را به خلیفه‌اللهی می‌رساند و خطاب به فرشتگان می‌فرماید: «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً؛ من در زمین جانشینی خواهم گماشت.» همچنین کرامت و

بزرگواری و برتری آدمی بر موجودات دیگر، ارزشی است که خداوند در آیه زیر این گونه به آن اشاره می‌فرماید: وَ لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَ حَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ وَ رَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَ فَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا. (اسراء: ۷۰)؛ و به راستی ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم و آنان را در خشکی و دریا نشانیدیم و از چیزهای پاکیزه به ایشان روزی دادیم و آنها را بر بسیاری از آفریده‌های خود برتری دادیم.

– سالمندان

سالمندی را به طور قراردادی مترادف با آغاز سن ۶۵ سالگی می‌دانند (Bircchhead, 1998) و به عبارتی سالمند کسی است که سن او ۶۰ سال و بالاتر است (شاملو، ۱۳۶۴). کاهش تدریجی میزان‌های مولید و مرگ و میر و به موازات آن افزایش امید به زندگی، باعث افزایش تعداد سالمندان جهان شده است (افخمی و همکاران، ۱۳۸۷). در جستجوی چارچوبی مفهومی، سالمندی در حیات انسانی را می‌توان فرایندی دانست که با فرسایش تدریجی سازوکارهای فیزیولوژیکی و ناتوانی در احیای توانمندی ارگان‌های حیاتی آغاز و با پایان زندگی خاتمه می‌یابد (سیدمیرزایی، ۱۳۸۶). در فرهنگ لغت از سالمندی با کلماتی چون؛ پیری، سالخوردگی، کهولت سن، کهنسالی و ... نام برده شده است که به معنای مرحله پایانی عمر انسان است که در آن قوای جسمی، روحی و روانی انسان رو به ضعف و کاهش می‌رود (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۴: ۵۱۹۵) و کاهش توانایی و ضعف بر آن‌ها حادث می‌گردد. لذا آن‌ها در معرض انواع آسیب‌ها و بیماری‌ها و مسائل و مشکلات قرار می‌گیرند. به همین خاطر نیز در تعریف سالمندان آمده است که: «سالمندان کسانی هستند که در معرض تهدیدات بالقوه‌ای نظیر افزایش ابتلای به بیماری‌های مزمن، تنهایی و انزوا و عدم برخورداری از حمایت اجتماعی بوده و به دلیل ناتوانی‌های جسمی و ذهنی، در موارد زیادی نیز استقلال فردی شان مورد تهدید قرار می‌گیرد» (هت و اسچوفید، ۱۹۹۹؛ به نقل از ریاحی، ۱۳۸۷). باید به این نکته اذعان نمود که در تعریف سالمندی لازم است مجموعه‌ای از عوامل را در نظر گرفت. در واقع سالمندی یک مفهوم چند وجهی است، بنابراین به طرق مختلفی تعریف می‌شود:

الف) سن تقویمی: ارجاع به سن تقویمی در تعریف سالمندی ساده‌ترین تعریف را رهنمون می‌گردد که در اکثر منابع عبارت است از سنین بالای ۶۵ سالگی.

ب) سن جسمانی و تغییرات فیزیولوژیکی بدن: تغییرات جسمانی که در اثر افزایش سن و گذر زمان به وقوع می‌پیوندند معیار دیگری هستند برای تعریف سالمندی که تعیین دقیق این تغییرات به عنوان زمان شروع سالمندی دشوار است. معمولاً پیری جسمانی زمانی معنا می‌یابد که پوست، مو، قوای بدنی و سلامت کلی فرد دچار تغییر عمده شود. همانطور که مچینکوف می‌گوید: سالمندی عبارت است از عوارض عفونی مزمنی که با ناتوانی و استحاله و افزایش سلول‌های بیگانه وار همراه است. و استهلر نیز در این رابطه عقیده دارد؛ سالخوردگی دگرگونی‌های تدریجی در ساخت و ترکیب موجود زنده است که این ویژگی‌ها تغییرات گسترده و درونی‌اند و گرایش به پیشرفت دارند و بالاخره به سوی فساد و اضمحلال پیش می‌روند.

ج) سن روانشناختی: این نوع تعریف از احساس انسان نسبت به سن خود متأثر بوده و تابع شناخت انسان از خود است (مخبر، ۱۳۸۸: ۷-۸).

۷- سالمندان در آیات قرآن

معادل واژه سالمند در عربی «شیخ» است. در قرآن سه بار این واژه آمده است. برای مثال در سوره قصص در آیه ۲۳ آمده است: «وَلَمَّا وَرَدَ مَاءَ مَدْيَنَ وَجَدَ عَلَيْهِ أُمَّةٌ مِّنَ النَّاسِ يَسْقُونَ وَوَجَدَ مِنْ دُونِهِمُ امْرَأَتَيْنِ تَذُودَانِ قَالَ مَا خَطْبُكُمَا قَالَتَا لَا نَسْقِي حَتَّى يُصْدِرَ الرِّعَاءُ وَأَبُونَا شَيْخٌ كَبِيرٌ»؛ هنگامی که به آب مدین رسید گروهی از مردم را دید که

(چارپایان خود را) آب می‌دادند و جدا از آنها دو زن را دید که (گوسفندان خود را) کنار می‌کشیدند، (موسی - علیه السلام) گفت: برنامهمشما چیست؟ (دو دختر حضرت شعیب) پاسخ دادند: ما (منتظریم و) از آب استفاده نمی‌کنیم، تا این که چوپان‌ها (گوسفندان خود را) بازگردانند و پدرمان سالخورده است. در توضیح «شیخ کبیر» در تفسیر المِراغی آمده است؛ کسی که دچار ضعف شده و به تنهایی نمی‌تواند (چارپایانش را) آب دهد. در این سوره و سوره هود آیه ۱۷۲ سوره یوسف آیه ۲۷۸ همگی شیخ را به کسی تعبیر می‌نمایند که بر اثر سالخوردگی دچار ضعف و ناتوانی گشته است و به توجه، احترام و تکریم بیشتری نیاز دارند.

به صورت کلی در آیات قرآن از پیری و سالمندی با تعبیر مختلف یاد شده است. تعبیری مانند؛ شیخ در معنای انسان بزرگ و مسن (آیات ۷۲ هود، ۷۸ یوسف، ۲۳ قصص، ۶۷ غافر)، شیب و کسی که موهایش سفید شده است (آیات ۴ مریم، ۵۴ روم، ۱۷ مزمل)، عجز به معنای ناتوان و پیرزنان (آیات ۱۳۵ صافات، ۱۷۱ شعرا، ۲۹ ذاریات و ۷۲ هود)، کهل یا کسی که جوانی اش به پایان رسیده است (آیات ۴۶ آل عمران و ۱۱۰ مائده)، کبر در معنای بزرگسالی و پیری (آیات ۲۶۶ بقره، ۴۰ آل عمران)، ارذل العمر یا همان پایین‌ترین مرحله زندگی و سنین پیری (آیات ۷۰ نحل و ۵ حج)، اسفل السافلین یا همان درجات پایین عمر و زندگی (آیه ۵ سوره تین)، خوالف یا همان بازنشستگان (توبه آیات ۷۸ و ۹۳)، القوائد من النساء یا زنانی که پیر شده و از سن ازدواج گذشت‌اند (آیه ۶۰ سوره نور)، الضعفاء در معنای انسان‌های ضعیف و ناتوان و پیر (آیه ۹۱ سوره توبه) همگی نشان از اهمیت دوران پیری و ناتوانی و کهنسالی انسان‌ها دارد که خداوند با طرح آنها و بیان آیاتی دیگر مرتبط با این موضوع و مبنی بر دوره ای بودن زندگی انسان‌ها مانند آیه ۵۴ سوره روم^۳ خواسته است تا هدفمند بودن آفرینش را به انسان‌ها گوشزد و یادآوری نماید و با ذکر مراحل زندگی انسان‌ها و خصوصاً دوران پیری آن‌ها را به تفکر و تعقل وادارد (آیه ۶۷ سوره غافر^۴).

در قرآن کریم حفظ کرامت سالمندان بسیار سفارش شده است و در رابطه با تعریف مفهوم کرامت؛ وصف کرامت در قرآن، هم برای خداوند و هم برای سایر مخلوقات به ویژه انسان بکار رفته است. در گفتمان قرآن کریم، به دوگونه از کرامت برای انسان تعبیر شده است، یکی کرامت ذاتی با توجه به آیه «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» (اسراء آیه ۷۰) و دیگری کرامت اکتسابی با توجه به آیه ۱۳ حجرات که فرموده است؛ «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ». کرامت ذاتی که در آن همه انسان‌ها برابر هستند و نسبت به همدیگر برتری و امتیازی فراتر ندارند... اما کرامت اکتسابی منزلت و جایگاهی است که انسان در سایه اختیار خود و با تلاش و کوشش به دست می‌آورد و مختص انسان‌هایی است که در زندگی خود با رعایت تقوا و حد و حدود الهی به کمالات اختیاری دست پیدا می‌کنند (عباسی و همکاران، ۱۳۹۵).

در دین مبین اسلام نسبت به رعایت حقوق سالمندان و پدر و مادر در سن کهولت و پیری سفارش و تاکید فراوانی شده است. در قرآن کریم بارها در این خصوص به ادب، نیکی و احسان سفارش شده بویژه در مورد پدر و مادر که حق عظیمی بر گردن فرزندان خود دارند. در سوره اسراء به فرزندان هشدار داده شده است که مبادا در دوران پیری و سالمندی کمترین اهانتی به والدین روا نمایند و یا با لحنی زننده و نامناسب که رنجش آنها را بر انگیزد سخن

۱- قَالَتْ يَا وَيْلَتَى أَأَلِدُ وَأَنَا عَجُوزٌ وَهَذَا بَعْلِي شَيْخًا إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ عَجِيبٌ ﴿هود: ۷۲﴾

۲- قَالُوا يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ إِنَّ لَهُ أَبًا شَيْخًا كَبِيرًا فَخُذْ أَحَدَنَا مَكَانَهُ إِنَّا نَرَاكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ ﴿یوسف: ۷۸﴾

۳- اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ ضَعْفٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ ضَعْفٍ قُوَّةً ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ ضَعْفًا وَشَيْبَةً يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَهُوَ الْعَلِيمُ الْقَدِيرُ ﴿الروم: ۵۴﴾

۴- هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ يُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشُدَّكُمْ ثُمَّ لِتَكُونُوا شُيُوخًا وَمِنْكُمْ مَنْ يُتَوَفَّى مِنْ قَبْلُ وَلِتَبْلُغُوا أَجَلًا مُّسَمًّى وَلَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ﴿غافر: ۶۷﴾

گویند و احترام آنان را به جا نیاورند. خداوند در بیانی زیبا در آیه ۲۳ از سوره مبارکه اسراء می‌فرماید: «و پروردگار تو مقرر کرد که جز او را مپرستید و به پدر و مادر خود احسان کنید اگر یکی از آن دو یا هر دو در کنار تو به سالخوردگی رسیدند به آنها اوف مگو و به آنان پرخاش مکن و با آنها سخنی شایسته بگوی» و در آیه بعدی نیز می‌فرماید: «بال‌های تواضع خویش را در برابرشان از محبت و لطف فرود آر و بگو پروردگارا همان‌گونه که آنها مرا در کوچکی تربیت کردند مشمول رحمتشان قرار ده». علامه طباطبایی در تفسیر این آیه نوشته است که؛ «اگر خداوند حکم را اختصاص به دوران پیری پدر و مادر داده از این جهت بوده که پدر و مادر، در آن دوران سخت‌ترین حالات را دارند و بیشتر احتیاج به کمک فرزند می‌نمایند، زیرا بسیاری از واجبات زندگی خود ناتوانند و همین معنا یکی از آمال پدر و مادر است که همواره از فرزندان خود آرزو می‌کنند، آری روزگاری که پرستاری از فرزند را می‌کردند و روزگاری دیگر که مشقات آنان را تحمل می‌نمودند و باز در روزگاری که زحمت تربیت آنها را به دوش کشیدند، در همه‌ی این ادوار که فرزند از تأمین واجبات خود عاجز بود آنها این آرزو را به سر می‌پروانند که در روزگار پیری از دستگیری فرزند برخوردار شوند» (طباطبایی، ۱۳۷۱، ج ۱۳: ۱۳۶) و آنها در این سن از مهر و محبت فرزندان سیراب گردیده و کرامت انسانی آنها در این سنین حفظ و گرمی داشته شود. از تعمق در آیات نامبرده نکاتی برداشت می‌شود که در تمام آنها، می‌توان ارزش و احترام و عزت و تکریم سالمندان را مشاهده نمود و دستوراتی را که در رابطه با آنها بیان شده است دریافت نمود. چنانکه ریشه احسان به والدین و سالمندان در اعتقاد به خداوند است و جایگاه بسیار بالایی برای احسان و احترام و تکریم آنها در دوره سالمندی بیان شده است. سالمندان مظهر لطف الهی دانسته شده‌اند که حمایت و تکریم آنها یک ارزش دینی و الهی است. بنابراین باید در برابر آنها تواضع و خشوع داشت و برای آنها از درگاه الهی طلب خیر و برکت نمود و این امر (احترام و تکریم سالمندان) در جامعه نهادینه شده و به یک فرهنگ عمومی تبدیل گردید (طباطبایی، ۱۳۷۱، ج ۱۳: ۱۳۶، نقل از سجادی پویا، ۱۳۹۲).

۸- تعالیم دینی، سیره رضوی و تکریم سالمندان

احترام به بزرگترها و ترحم و مهربانی نسبت به کوچکترها، از دستورات عملی‌های اخلاقی اسلام است و کانون خانواده‌ها را گرم و مصفا می‌سازد و این، توصیه امام صادق (ع) است که فرمود: «لَیْسَ مِنْ لَمْ یُوَقِّرْ کَبِیْرًا وَ لَمْ یَرْحَمْ صَغِيرًا؛ کسی که بزرگ را احترام نکند و کوچک را مورد شفقت و عطف قرار ندهد، از ما نیست» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۲۲: ۱۳۷).

حضرت علی (ع) نیز در حدیثی زیبا در رابطه با تکریم و احترام سالمند فرمودند: «يُكْرَمُ الْعَالِمُ لِعِلْمِهِ وَ الْكَبِيرُ لِسِنَتِهِ؛ دانشمند را به خاطر علمش و بزرگسال را به خاطر سن او، باید احترام کرد» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، حدیث ۱۱۰۰۵). بنابراین لازم است تا به سالمندان احترام گذاشته شود و آنها را مورد تکریم قرار داد. اگر جوانان قدر پیران را نشناسند و به جایگاه آنان حرمت نهند، هم رشته‌های عاطفی پیوندهای انسانی از هم گسسته می‌شود، هم از رأفت و عاطفه و تجربه سالخوردگان محروم می‌شوند، هم نشانه بی‌توجهی خود به ارزش‌ها را امضا کرده‌اند.

در فرهنگ و آموزه‌های دینی پیوسته این مطلب تبلیغ و تأکید می‌شود که خداوند نسبت به همه انسان‌ها خصوصاً کودکان و سالخوردگان رحمان و رحیم است و آنها را دوست دارد. به همین خاطر است که در سیره زندگی انبیا و اولیای الهی نمونه‌های بسیار گوناگونی از تکریم و محبت و عطف با مخاطبین و مخصوصاً این دو گروه دیده می‌شود. به گونه‌ای که در سخنان معصومین به کرات آمده است که به کودکان و سالخوردگان احترام بگذارید و حضرت رضا (ع) نیز در حدیثی زیبا که از این حدیث از زبان پیامبر (ص) هم نیز نقل شده است، می‌فرمودند: «وَقَرُّوا کِبَارَكُمْ وَ ارْحَمُوا صِغَارَكُمْ وَ صَلُّوا اَرْحَامَكُمْ؛ به بزرگترهايتان احترام بگذارید و با کوچکترها مهربان باشید و صله‌رحم

نمایید» (ابن بابویه، ۱۳۸۵، ج ۲: ۲۶۵). چنانکه در حدیثی دیگر نیز فرموده‌اند: «لازم است انسان با تمام اطفال و بزرگسالان، مؤدب و با احترام بر خورد کند» (النوری، ۱۴۰۷، ج ۲: ۶۷).

تکریم سالمندان مخصوصاً در میان خانواده باعث بیشتر شدن مهر و عطوفت و مهربانی در میان جوامع انسانی و خانواده‌ها می‌گردد. امام صادق (ع) در روایتی می‌فرماید: «دل‌های آدمیان به گونه‌ای است، هر کسی به آنان نیکی و مهربانی کند، وی را دوست می‌دارند و هر کسی به آنان بدی و ناروایی کند، از او بیزارند» (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۶: ۱۸۴) و در ارزش و احترام و ضرورت تکریم سالخورده‌گان همین بس که پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «کهنسال (سالمند) در میان خاندانش همانند پیامبر در میان امت خویش است» (نیشابوری، بی تا: ۴۷۶).

سالمندان مانند دیگر اعضای جامعه دارای احتیاجات و نیازهایی هستند که لازم است توجه بیشتر به آنان گردد تا با برآورده ساختن این نیازها و احتیاجات عزت و کرامت آن‌ها حفظ شود. از نیازهای سالمندان می‌توان به احتیاجات عاطفی، معیشتی، تفریحی، مشارکت در امور مختلف و امنیت اشاره نمود که هر کدام از آن‌ها مصداق‌های مختلفی دارد.

احتیاجات عاطفی؛ مانند احترام گذاشتن به آن‌ها و سلام کردن نیکو به آنان است. اگرچه احترام گذاشتن ویژگی است که مربوط به تمام دوران زندگی می‌شود ولی سالخورده‌گان به دلیل بالا بودن سن و ارزش و جایگاهی که در میان خویشان و جامعه خویش دارند بیشتر مورد توجه هستند. امام رضا علیه السلام در رابطه با احترام به سالمندان می‌فرماید: «وَقَرُّوا كِبَارَكُمْ» به بزرگترهائتان احترام بگذارید» (ابن بابویه، ۱۳۸۳، ج ۲: ۲۶۵). همچنین پیامبر اکرم (ص) نیز احترام به پیران و سالخورده‌گان را تجلیل از خداوند می‌داند و می‌فرماید: «احترام گذاشتن به مسلمان مو سفید و سالخورده از جمله تجلیل خداست و از ما نیست کسی که بزرگسال ما را احترام نکند و به خردسال ما مهربانی نکند» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۳: ۲۴۰). سالمندان بیش از هر موقع دیگری از زندگی مانند دوران کودکی به محبت و احترام نیازمند هستند. لازم است تا احترام آن‌ها گرامی داشته شود و در میان خانواده خود احساس بزرگی و عزت داشته باشند. در این رابطه رسول خدا (ص) احترام و بزرگداشت سالخورده‌گان را احترام به خداوند دانسته و می‌فرماید: «بَجَلُّوا الْمَشَایخَ فَإِنَّ مِنْ إِجْلَالِ اللَّهِ تَبْجِيلَ الْمَشَایخِ» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۷۵: ۱۳۶) پیران را تجلیل کنید زیرا احترام به بزرگسالان تجلیل از خداست. این حدیث لفظ «بجل» و «تبجیل» حایز اهمیت هستند، زیرا معنی لغوی دقیق تبجیل علاوه بر تعظیم و احترام، شادرویی و مهر و محبت را نیز در برمی‌گیرد، بنابراین ترجمه دقیق حدیث این است که باید بزرگسالان را احترام توأم با مهربانی و خوشرویی کرد (علی عبدالله، ۱۳۷۷: ۶۳). چنانکه در حدیثی دیگر نیز از پیامبر (ص) آمده است که: «لَا يُوسَعُ الْمَجْلِسُ إِلَّا لِثَلَاثٍ أَلَذِي سَنَ لِسْنَهُ وَ ذِي الْعِلْمِ وَ لَذِي السُّلْطَانِ لِسُلْطَانِهِ» در مجلس فقط برای سه گروه باید جا باز کرد؛ برای سالخورده‌گان به حرمت سن و سال ایشان؛ برای دانشمند به سبب علم او و برای افراد قدرتمند به سبب قدرت ایشان» (فتال نیشابوری، ۱۳۷۵، ج ۲: ۴۷۶).

احتیاجات معیشتی؛ در رابطه با احتیاجات معیشتی نیز سالخورده‌گان چون توانایی کار کردن و درآمدزایی نداشته، باید تأمین شوند و احتیاجات آن‌ها در حد معقول و مناسب برآورده شود. چنانکه غذای آن‌ها باید سبک و لباس و پوشاک آن‌ها مناسب باشد. لذا ضرورت دارد تا حاجات سالمندان برآورده شود و گره از مسائل و مشکلات آن‌ها باز شود. امام رضا (ع) نیز در این رابطه فرموده‌اند: «هر کس گره از کار مؤمنی بگشاید (و غمی را از او بزداید)، خداوند هم در قیامت، کار بسته او را می‌گشاید (و اندوهش را می‌زداید)» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲: ۲۰۰). برآوردن نیازهای مختلف سالمندانند غم زدایی از او، گاهی به کمک مالی است، گاهی به همدردی زبانی و دلجویی است، گاهی به رفع ظلم از او، گاهی ادای بدهکاری یا تأمین مسکن و خوراک و پوشاک و یا حتی گوش دادن به درد دل‌های سالمند است که

مایه شادی و حفظ عزت نفس و کرامت اوست و بهتر است سالمند در میان خانواده خویش زندگی کند و این احتیاجات او برآورده شود تا هم ضمن حفظ احترام و عزت نفس، کرامت او در میان خانواده و جامعه حفظ گردد. شاید بتوان گفت که سالخوردگان و سالمندان بر خلاف سایر سنین که با رشد خود و کسب توانایی بیشتر می‌توانند مشکلات و مسائل خود را بهتر حل نمایند، نمی‌توانند مشکلات خود را با رشد و تکامل بیشتر مرتفع نمایند و لذا براین اساس صحبت کردن از کمال و جا افتادگی در دوران سالمندی کاری سخاوتمندانه است و لازم است تا خانواده‌ها در این مورد بیشتر آموزش دیده و هرچند گاهی در رابطه با چنین پیش‌آمدی که طبیعی انسان‌ها و زندگی است و برای رسیدن به کمال و قرب الهی ضرورت دارد با سالمندان خانواده خود صحبت کنند. زیرا گاهی بر اساس ناآگاهی بی‌تجربگی برای سازگار کردن سالمندان با پیری و ناتوانی شان به آن‌ها گفته می‌شود چنین پیش‌آمدی طبیعی است! که این صحبت خود موجب افزایش ناراحتی سالمندان از کهولت سن خود می‌شود (اسکینر و وان، ۱۳۸۰) لذا اگرچه هم صحبتی با سالمندان در ایجاد روحیه مناسب در آن‌ها و تکریم شان می‌تواند مؤثر باشد، اما باید دقت شود که در چه رابطه و پیرامون چه مسائلی با آن‌ها صحبت می‌شود.

احتیاجات تفریحی و فراغتی؛ می‌توان گفت که سالمندان به نسبت دیگر دوره‌های سنی، بیشتر به تفریح و گردش نیاز دارند چرا که آن‌ها فاقد منابع مجدد دوستی هستند و اکثر آنها کار نمی‌کنند و موقعیت ایجاد روابط دوستانه در فضای کار را ندارند و دوستان هم سن و سالشان را نیز به نوعی از دست داده‌اند. لذا تفریح و گردش می‌تواند زندگی آن‌ها را از یکنواختی خارج ساخته و در روحیه آن‌ها بسیار مؤثر باشد. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «تفریح کنید، بازی کنید، زیرا دوست ندارم که در دین شما خشکی [افسرده دلی] دیده شود» (نهج الفصاحه، ۱۳۶۰: ۸۷). باز در جای دیگر می‌فرماید: «هر چه می‌توانید خود را از غم و غصه‌های دنیا فارغ سازید» (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۷۴: ۱۶۸) که یکی از راه‌های رها شدن از غم و غصه دنیا تفریح و گردش است. و امام رضا (ع) نیز در تقسیم بندی اوقات زندگی به چهار وقت، یکی از اوقات را مربوط به تفریح و گردش دانسته‌اند و فرموده‌اند: «... و ساعتی را به تفریحات و لذائذ خود اختصاص دهید و از مسرت و نشاط ساعت تفریح نیروی انجام وظائف ساعات دیگر را تأمین نمائید» (نجلسی، ۱۴۰۴، ج ۷۵: ۳۴۶) که سالمندان را می‌توان با تفریح و گردش به موقع و مناسب شاداب و سرزنده نمود و با حفظ سلامتی و روحیه شاد آن‌ها کرامت‌شان را گرمی داشت.

احتیاجات مشارکتی و ابراز وجود؛ سالمندان همچنین نیاز دارند تا در امور اجتماعی بیشتر مشارکت داشته باشند و به دلیل داشتن کوله باری از تجربه در امور مختلف آن‌ها را مشارکت داده و از آن‌ها مشورت و همفکری طلب نمود که این هم احترام به آن‌ها را در پی دارد و هم باعث تکریم آن‌ها می‌گردد. در قرآن نیز آمده است: «تعاونوا علی البر و التقوا...» (مائده آیه ۲) و یا اینکه «وامرهم شورا بینهم...» (شورا، آیه ۳۸) که مشارکت دادن سالمندان در امور مختلف زندگی و مخصوصاً سپردن کارهایی در خانه و خانواده به آن‌ها در مسائل مختلف، سبب تکریم و احترام بیشتر آن‌ها می‌شود. امام علی (ع) نیز در بیانی زیبا می‌فرماید: «با کسی که روزی به او رو آورده است، شریک شوید؛ زیرا او به توانگر شدن سزاوارتر، و به روی آوردن خوشبختی، شایسته‌تر است» (نهج البلاغه، حکمت ۲۳۰) و همانطور که در احادیث دیگر بیان شده است، پیران و سالخوردگان منبع خیر و برکت در میان قوم و امت خود هستند و روزی خدا به آن‌ها نزدیک‌تر است.

احتیاج به امنیت و آرامش؛ از مهم‌ترین نیازهای سالمندان که می‌تواند سبب تحکیم کرامت و بزرگداشت‌شان شود اطمینان و امنیت آن‌ها است. سالمندان باید هم در میان خانواده خود از جمیع جهات و هم در جامعه احساس امنیت داشته باشند و بدون دغدغه به زندگی خود ادامه دهند، زیرا امنیت یکی از مهم‌ترین نیازهای انسان برای زندگی است و ارزش و اهمیت آن به گونه‌ای است که، حضرت امیر المومنین، آن را نعمت مهم دنیا در کنار سلامتی

جسم دانسته است و در بسیاری از احادیث دیگر امنیت را از ضروریات اولیه و مهم زندگی بشر برشمرده و وطنی را که امنیت ندارد، بی‌ارزش دانسته‌اند (نادری، ۱۳۸۵). اساساً شخصی را نمی‌توان یافت که منکر این اصل ضروری حیات بشر در همه عرصه‌ها باشد. چرا که عالی‌ترین درخواست‌ها، موفقیت و پیشرفت‌های انسان در پرتو مفهوم وجود امنیت، حاصل می‌آید (مطهری نیا، ۱۳۸۴). و تمامی امکانات زندگی در صورت فقدان امنیت تحت الشعاع قرار می‌گیرد (سفیری، ۱۳۹۴). امنیت دارای ابعاد گوناگون است که یکی از مهم‌ترین تقسیم‌بندی‌ها، آن را به دو دسته فردی و اجتماعی تقسیم نموده است که خود شامل انواع دیگر امنیت مانند جسمی، روحی، روانی، اقتصادی و ... است. امنیت فردی را که باید در ایمان واقعی و آرامش روحی و اطمینان، و طمأنینه نفس را، در یاد خداوند متعال جستجو کرد (اسمعیلی و همکاران، ۱۳۹۴) و با توجه به آیه ۲۸ رد که فرموده است: «الابذکر الله تطمئن القلوب» از این نوع امنیت برخوردار گردید. برای سالمندان و حفظ کرامت آن‌ها داشتن امنیت و آرامش فردی (روحی- روانی و جسمی) از اهمیت بالایی برخوردار است که باید مدنظر قرار گیرد. امنیت اجتماعی نیز در کنار امنیت فردی یکی از بزرگترین و مهمترین انواع امنیت است و عبارت است از امنیتی که فرد در اجتماع از سایر هموعان خویش انتظار دارد (امین زاده، ۱۳۷۹: ۱۴). در این رابطه سالمند باید از زندگی در کنار دیگران و با دیگران با احترام به حقوق همدیگر و رعایت قوانین احساس امنیت داشته باشد. لذا احساس امنیت داشتن و حفظ آن یکی از نیازهای انسان‌ها به صورت کلی و در این مورد سالمندان برای حفظ کرامت شان است. امام رضا (ع) نیز در باب امنیت و احساس امنیت داشتن نسبت به دیگران می‌فرماید: «از ما نیست کسی که همسایه‌اش از شر او در امان نباشد و موجب احساس ناامنی دیگران شود» (ابن بابویه، ۱۳۸۳، ج: ۲۴).

در کنار احتیاجات گفته شده که باعث حفظ کرامت سالمندان می‌گردد، ممکن است کمبودهایی نیز مانند از دست دادن مال، سلامت و ذهن باعث نگرانی سالمند و تهدید کرامت او گردد، لذا لازم است با حمایت خانواده و اقدام لازم از این نگرانی و ناراحتی سالمند دور نگه داشته شود. در دوران سالمندی با افزایش سن کمبودها نیز افزوده می‌شوند و نیز در این سنین شاهد تجربیات ناگوار بیشتری خواهیم بود از کاهش استقلال مالی و جسمی تا مرگ همسر و دوستان که این امر باعث گسترش بیماری‌های روحی و روانی بیشتری در میان این گروه خواهد بود. اما اگر سالمند در میان خانواده خود و اعضای خویشان باشد و احساس تنهایی نکند، کمتر دچار ترس و نگرانی خواهد شد و هزینه‌های درمانی و اجتماعی زیادی را که بر خانواده و جامعه تحمیل می‌کند، به حداقل می‌رسد (رابینز و لوبر، ۱۳۸۵).

رفتار متواضعانه و سلام و مفاصحه؛ از سایر عوامل مؤثر در تکریم سالمندان می‌توان، سلام و مفاصحه کردن با آن‌ها را نام برد که خداوند در آیه ۸۶ از سوره نساء می‌فرماید: «وَإِذَا حُيِّتُمْ بِتَحِيَةٍ فَمَحْيَا بِأَحْسَنِ مِنْهَا أَوْ رُدُّوْهَا» هرگاه به شما تحیت گویند، پاسخ آن را بهتر از آن بدهید؛ یا (لااقل) به همان گونه پاسخ گویند» و امام رضا (ع) همانند رسول اکرم (ص) که متواضعانه بر هر کسی سلام و مفاصحه می‌نمود به مردم احترام می‌گذاشت و با آن‌ها متواضعانه رفتار می‌کرد (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج: ۱: ۱۴۷). لذا در مقابل پدر و مادر و سالمندان در خانواده که نزدیکترین افراد به انسان هستند باید با دقت و شدت بیشتری این امر صورت پذیرد. همچنین لازم است تا افراد خانواده سالمندان را با نام نیک و بزرگ صدا بزنند و آن‌ها را بزرگ شمرند، در قرآن کریم احترام به دیگران و با نام نیک صدا زدن در هنگام ارتباط و زندگی اجتماعی لازم دانسته شده است و در تعبیری زیبا آمده است که: «وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ» (حجرات/۱۱) با القاب زشت و ناپسند یکدیگر را یاد نکنید». به تبع این آیه و در رابطه با صدا زدن دیگران از امام رضا (ع) وارد شده است که: اگر فردی در مجلسی حاضر است او را با کنیه (مانند ابوالحسن که نشانه احترام است) صدا بزن و اگر حاضر نیست اسمش را بخوانید (حرانی، ۱۳۸۳: ۵۲۴) و هیچ وقت افراد را با نام‌ها و القاب

زشت صدا ننزید. همچنین که باید در ارتباط با دیگران و کارهای نیک همیشه با آنان همراهی، همنشینی کنی و خود را برتر از آن‌ها ندانی (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۱۲: ۱۲۹).

لازم است تا با سالمندان و پدر و مادر به خوبی و نیکی رفتار شود در روایات آمده است خدای متعال حقوق پدر و مادر را با حقوق خودش قرینه قرار داده و طاعت آن‌ها را به طاعت خودش قرینه کرده است، و از زشت‌ترین محرمات، وعقوق پدر و مادر است و انکار دوستی آن‌ها به فرزند در انواع نیکی و خوبی» (ابن بابویه، ۱۳۸۳: ۲۲۳). امام رضا (ع) هم نیکی به پدر و مادر و تکریم آن‌ها را واجب دانسته است و در سخنی زیبا فرموده است: «نیکی به پدر و مادر واجب می‌باشد اگرچه مشرک باشند» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۷۴: ۷۲) و در حدیثی دیگر نگاه کردن به پدر و مادر را عبادت دانسته است (اربلی، ۱۳۸۱، ج ۲: ۲۶۸).

۹- جمع بندی و نتیجه‌گیری

سالمندی معمولاً آخرین چرخه زندگی انسان است که طبق تعاریف مختلف از سنین متفاوت شروع می‌شود. اما می‌توان افراد با سن بالاتر از ۶۰ و ۶۵ سالگی را سالمند به حساب آورد. سالمندان مانند کودکان و برخی دیگر از اقشار جامعه در گروه‌هایی قرار می‌گیرند که به توجه و احترام و تکریم بیشتری نیاز دارند، زیرا ضریب آسیب‌پذیری آن‌ها نسبت به بقیه بیشتر است و به خاطر کاهش توانایی و تضعیف قوای جسمانی، روحی و روانی در معرض تهدیدات بالقوه‌ای نظیر افزایش ابتلای به بیماری‌های مزمن، تنهایی و انزوا و عدم برخورداری از حمایت اجتماعی قرار می‌گیرند و به دلیل ناتوانی‌های جسمی و ذهنی، در موارد زیادی نیز استقلال فردی‌شان مورد تهدید قرار می‌گیرد در حالی که طبق تعالیم دینی آن‌ها دارای جایگاه رفیعی در درگاه الهی هستند و لازم است تکریم شوند و میان افراد خانواده گرمی داشته شوند؛ زیرا طبق فرموده پیامبر (ص) نزدیک‌ترین فرد از نظر مقام به ایشان در قیامت کسی است که با خانواده خود خوشرفتاری کند و با آن‌ها با مهربانی و محبت رفتار کند.

امروزه با توجه به بهبود شرایط زندگی و پیشرفت‌های پزشکی و علمی، ظهور پدیده سالمندی در جوامع امری گریز ناپذیر گشته است و افزایش جمعیت سالمندان و مسائل و مشکلات آن‌ها را به عنوان یک چالش در قرن ۲۱ به شمار آورده‌اند. تغییر نگاه و نگرش به زندگی و مسائل و مشکلات آن باعث تغییر ارزش و جایگاه سالمندان در میان خانواده و جامعه و تغییر نگرش به آن‌ها گردیده است. به گونه‌ای که در بسیاری از جوامع غربی سالمندان پس از ورود به دوره سالمندی جایگاهی در میان خانواده خود نداشته و اجباراً به خانه سالمندان منتقل می‌شوند. در کشور ما نیز این امر در حال شیوع و گسترش است و تأسیس خانه‌های سالمندان نشانگر آن است که دستورات الهی و تعالیم دینی رو به فراموشی قرار گرفته‌اند. در حالی که خداوند به طور مکرر در قرآن کریم توصیه به احترام و تکریم والدین و سالمندان نموده و آیات گوناگونی را پیرامون کهنسالی و سالمندی در قرآن بیان نموده است (نک؛ آیات ۲۳ قصص، ۷۲ یوسف، ۶۷ غافر، ۴۶ آل عمران، ۲۶۶ بقره و ...) که همه نشانگر آن است که سالمندی و تکریم سالمندان از نظر جایگاه انسانی و اعتقادی و درجات معنوی ارزش و جایگاهش پس از عبادت خدا قرار دارد و همیشه دستور داده است تا شخصیت آن‌ها گرمی داشته شود و مورد محبت و دلجویی و مهربانی، ادب و نیکی و احسان قرار گیرند و با آن‌ها به شایستگی صحبت شود و در مقابل آن‌ها متواضع بوده و برایشان از درگاه الهی رحمت و مغفرت طلب کنی.

شأن و منزلت سالمندان در میان خانواده و جامعه خویش به قدری است که پیامبر احترام به آن‌ها را احترام به خویش دانسته و توهین به موی سفید و فرد سالخورده را توهین به خویش می‌داند. خداوند نیز در آیه ۲۳ و ۲۴ سوره اسراء به روشنی تکریم و احترام به والدین مسن و سالمندان را بیان نموده است و انسان‌ها را فرمان بر نیکی به پدر و مادر داده است و تکریم سالمندان را امری ضروری برشمرده است.

به تبع آیات قرآن، تعالیم دینی و احادیث وارد شده از ائمه نیز جایگاه رفیعی برای سالمندان قائل شده و تکریم و احترام و بزرگداشت آن‌ها را از واجبات دانسته‌اند. به عنوان مثال حضرت علی(ع) فرموده است که دانشمند را به خاطر علمش و سالمند را به خاطر سن او باید احترام و تکریم نمود. در سیره رضوی و احادیث وارد شده از امام رضا(ع) نیز تکریم سالمندان دارای جایگاه برجسته‌ای است که برای توضیح و بیان آن‌ها ابتدا احتیاجات سالمندان در نظر گرفته شده و پس از آن شیوه‌های احترام و تکریم و احادیث مرتبط بازگو شده است. چنانکه سالمندان دارای احتیاجات عاطفی، معیشتی، تفریحی، مشارکت در امور مختلف، امنیت و حمایت خانواده در همه موارد زندگی هستند. برای برطرف کردن احتیاجات عاطفی آن‌ها لازم است به آن‌ها احترام گذاشته شود و امام رضا(ع) نیز فرموده اند به بزرگترهائشان احترام گذارید... و پیامبر نیز احترام به موی سفید را تجلیل از خداوند می‌داند. سالمندان در مباحث معیشتی نیز دارای احتیاجاتی هستند که برخی از آن‌ها از توان و قوه خودشن خارج است که لازم است در برطرف کردن آن اهتمام ورزید و امام رضا(ع) نیز در این رابطه فرموده است هرکس گره از کار مؤمنی باز کند و غمش را بزدايد خداوند در قیامت گره از کار او باز می‌کند که این امر می‌تواند کمک مالی یا روحی و روانی مانند دلجویی و ... باشد. سالمندان چون ارتباط اجتماعی کمتری نسبت به بقیه دارند و عمدتاً فاقد منابع دوستی هستند نیاز به فراغت، تفریح و گردش بیشتری دارند و لازم است تا خانواده‌ها به این امر و نیاز آن‌ها بیشتر توجه داشته باشند. امام رضا نیز در تقسیم بندی اوقات به صورت کلی یکی از زمان‌ها را به تفریح و سرگرمی اختصاص داده است که باید برای سالمندان نیز در نظر گرفته شود و احتیاجات روحی و عاطفی آن پیرامون گردش و تفریح برطرف گردد. همچنین لازم است تا سالمندان در امور مختلف و مهم زندگی نیز مشارکت داده شوند چون آن‌ها دارای کوله باری از تجربه هستند و تجارب و توصیه‌های آنان می‌توانند چراغ راهی برای زندگی باشند. در نهایت اینکه سالمندان نیاز به امنیت و حمایت خانواده خویشدر مسائل مختلف دارند و زندگی آن‌ها در میان خانواده و جامعه باید با امنیت و آرامش خاطر همراه باشد. زیرا امنیت در کنار سلامتی یکی از دو نعمت مهم زندگی به شمار آمده است و سالمند باید از جنبه‌های نامبرده شد و از دیگران احساس امنیت داشته باشد و حمایت شوند تا کرامتش بیشتر حفظ گردید و پاس داشته شود.

در نتیجه می‌توان گفت، تکریم سالمندان در خانواده و جامعه از ضروریات زندگی دینی و انسانی بوده و لازم است تا احترام و کرامت سالمندان به خوبی گرامی نگه داشته شود و با گرمی با آن‌ها سلام و مصافحه صورت گیرد و با نام‌ها و القاب زیبا آن‌ها صدا زده شوند و نهایت نیکی و حمایت در حق آنها روا داشته شود. به همین دلیل راهکارها و پیشنهادات زیر برای تکریم بهتر و بیشتر سالمندان در میان خانواده و جامعه بیان می‌گردد؛

۱۰- پیشنهادات و راه کارها

با توجه به اینکه سالمندی یک از دوره‌های مهم زندگی است و سالمندان از گروه‌هایی هستند که به مراقبت و توجه بیشتری نیاز دارند، کرامت و عزت آن‌ها همیشه در معرض تهدید قرار دارد بنابراین باید زمینه‌هایی فراهم گردد تا کرامت آن‌ها حفظ شود و آن در میان خانواده و جامعه به خوبی تکریم شوند. به همین دلیل در زیر پیشنهادات و راهکارهایی جهت بهتر تکریم شدن سالمندان و حفظ کرامت ایشان ارائه می‌گردد؛

- از آن جایی که سالمندان جزء اقشار آسیب پذیر و نیازمند جامعه محسوب می‌شوند لازم است تا برای آن‌ها یک سبک زندگی سالم فراهم گردد. سبک زندگی که در آن تغذیه مناسب، ورزش کافی، آموزش‌های ارتقای سلامت، بهبود روابط اجتماعی و مشارکت دادن آن‌ها در امور مختلف زندگی و کارهای روزمره، که تأثیر بسزایی در سلامت و امید به زندگی سالمندان که منتهی به حفظ کرامت و تکریم آن‌ها می‌شود، وجود داشته باشد و گنجانده شود. از

طرفی عدم رعایت موارد گفته شده و شاخص‌های مناسب سبک زندگی می‌تواند موجب تشدید سالمندی و مسائل و مشکلات آن‌ها و تهدید کرامت‌شان گردد. سالمندی که سبک زندگی موفق و مناسبی داشته باشد هم حضور موفق تری در میان خانواده و هم اجتماعات دیگر دارد و به عنوان یک الگو قرار می‌گیرد که این الگو قرار گرفتن نیز گامی در جهت تکریم آن‌ها است.

- یکی دیگر از راه‌کارهای تکریم و حفظ کرامت سالمندان، تقویت ارتباطات معنوی و معنویت در سالمندان است. چنانکه محققان در بررسی ارتباط میان دین و سلامت روانی اثبات کرده‌اند که افراد سالمندی که در طول عمر خود حضور همیشگی خود را در کلیسا و مکان‌های مذهبی حفظ کرده‌اند، سعادت و رفاه بیشتر و بیماری روانی کمتری را در زندگی تجربه کرده‌اند (ویتز، ۱۳۸۳: ۸۰).

- حفظ ارتباط مداوم و پیوسته با سالمندان و رفع احتیاجات و نیازهای آن‌ها و توجه مستمر به آنان در نظام ساختاری خانواده و جامعه اسلامی یکی دیگر از راهکارهایی است که می‌تواند در تکریم سالمندان مؤثر و مفید باشد. پیشینه فرهنگی ما نیز نشان می‌دهد که تدقیق در تعالیم اسلام درباره چگونگی روابط اعضای خانواده، حقوق و مسئولیت‌های متقابل، احترام به بزرگترها و پدر و مادر و ... توصیه‌های الزامی و اخلاقی فراوان دیگر، مجموعه این تعالیم ما را به نظام ساختاری رهنمون می‌کند که پاسخگوی همه نیازهای مادی، روانی و معنوی خانواده است (ظهیری و فتحی، ۱۳۹۰: ۱۰۲).

- برای حفظ کرامت سالمندان انجام اعمال و امور مذهبی توسط خود آن‌ها و یا مشارکت دادن آن‌ها توسط خانواده در این امور می‌تواند گام مؤثری باشد. چنانکه همگان اذعان دارند، عبادت، راز و نیاز و ارتباط قوی با خدا داشتن و باورهای مذهبی، عامل مؤثری در جلوگیری از ابتلا به افسردگی و بیماری‌های روحی روانی در سالمندان به شمار می‌رود و پر واضح است که درگیر شدن سالمند با بیماری‌ها و مسائل و مشکلات روحی و روانی کرامت آن‌ها را تهدید خواهد نمود. زیارت اماکن مقدس، شرکت در هیأت‌ها و جلسات مذهبی و قرانی می‌تواند رنگ و بوی بهتری به سالمندی دهد و تکریم آن‌ها را در پی داشته باشد.

- داشتن استقلال به صورت کلی و مخصوصاً استقلال مالی یکی دیگر از راهکارهای مهم و اساسی در جهت حفظ کرامت سالمند و تکریم آن‌ها است. بررسی‌ها نشان می‌دهد کسانی که دارای حقوق بازنشستگی و یا درآمد در هنگام سالمندی هستند نسبت به سایرین از شرایط جسمی و روحی مناسب تری برخوردارند.

- داشتن ارتباطات اجتماعی و خانوادگی در کنار ارتباط با دیگر سالمندان و دوستان می‌تواند در سلامتی و مقابله آن‌ها با مسائل و مشکلاتی که کرامت‌شان را به خطر می‌اندازد، مفید و مؤثر باشد. لذا لازم است تا آن‌ها ارتباط بیشتری داشته و هیچ گاه احساس تنهایی نداشته باشند.

منابع و مأخذ

قرآن کریم

۱. نهج الفصاحه (مجموعه کلمات قصار پیامبر(ص)) (۱۳۶۰). ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: جاویدان.
۲. نهج البلاغه (۱۳۸۳). ترجمه محمد دشتی. قم: موسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمومنین.
۳. ابن بابویه قمی محمدبن علی (شیخ صدوق) (۱۳۷۸). **من لایحضره الفقیه**، چاپ سوم، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۴. ابن بابویه قمی، محمدبن علی (شیخ صدوق) (۱۳۸۳). **عیون اخبار الرضا**، ترجمه علی اکبر غفاری. تهران: صدوق.
۵. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۳۸۳). **تحف العقول**، ترجمه صادق حسن زاده، چاپ سوم، قم: آل علی.
۶. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی (۱۳۷۹ق). **مناقب آل ابی طالب (لأبن شهر آشوب)**، چاپ اول، قم: علامه.
۷. اربلی، علی ابن عیسی (۱۳۸۱ق). **کشف الغمه**؛ ۲ جلد، تبریز: چاپ مکتبه بنی هاشمی.
۸. اسکینر، فرد؛ وان، مارگارت (۱۳۸۰). **از سالخوردگی لذت ببریم**، ترجمه آناهیتا آذری، تهران: قدیانی.
۹. اسمعیلی، کبری؛ روان شاد، زینب؛ قاسمی، فاطمه (۱۳۹۴). «راه های وصل به امنیت در جامعه با تأسی از زندگی پیامبر(ص)»، مجموعه مقالات نخستین همایش سبک زندگی، نظم و امنیت، زنجان: دانشگاه زنجان، اردیبهشت.
۱۰. افخمی، آزاده؛ کشاورز، سیدعلی؛ رحیمی، عباس؛ جزایری، سیدابوالقاسم؛ صدرزاده یگانه، هاله (۱۳۸۷). فصلنامه پایش، سال هفتم، شماره سوم، ص ۲۱۷-۲۱۱.
۱۱. امین زاده، بهناز (۱۳۷۹). «مبانی امنیت در شهر اسلامی»، فصلنامه پژوهش شماره ۴.
۱۲. بهرامی، فاضل؛ رضائی فرانی، عباس (۱۳۸۸)، «بهداشت روان سالمند در قرآن و حدیث»، نشریه سالمند (مجله سالمندی ایران)، سال ۴، شماره ۱۱، صص ۸۳-۷۰.
۱۳. تباری، فریبا؛ خاقانی زاده، مرتضی؛ دهقان نیری، ناهید؛ نجفی مهری، سهیل (۱۳۹۵). «تبیین مفهوم استقلال در حفظ کرامت سالمند: مطالعه کیفی»، نشریه پژوهش پرستاری دوره ۱۱، ش ۳، صص ۲۷-۱۷.
۱۴. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد تمیمی (۱۳۶۶). **غررالحکم و دررالکلم**، قم: دفتر تبلیغات.
۱۵. جوادیان، سید رضا (۱۳۹۴). «مددکاری اجتماعی سالمندی»، فصلنامه مددکاری اجتماعی، دوره ۲، شماره ۴ پایانی ۱۲، صص ۳۲-۲۷.
۱۶. حرعاملی، محمدبن حسن (۱۴۰۹ق). **وسائل الشیعه**، قم: موسسه آل البيت.
۱۷. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). **لغت نامه دهخدا**، تهران: روزنه.
۱۸. رابینز، پیترو؛ لوبر، لین (۱۳۸۵). **سالمندی و اضطراب**، ترجمه رشاد مردوخی، چاپ اول، تهران: نی.
۱۹. سجادی پویا، زینب (۱۳۹۲). «جایگاه سالمندان در دین اسلام»، سایت تخصصی مدرسه علمیه حضرت زینب (س)، قابل بازبینی در آدرس زیر؛
۲۰. سفیری، خدیجه (۱۳۹۳). «امنیت اجتماعی به مثابه پایه پیشرفت اجتماعی بر طبق آیات قرانی»، مجموعه مقالات سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، جلد اول، تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
۲۱. سید میرزایی، سید محمد (۱۳۸۶). «ملاحظات پیرامون ابعاد سالمندی با نگاهی به تجربه ژاپن»، پژوهش نامه علوم انسانی، شماره ۵۳، صص ۲۲۲-۲۱۰.
۲۲. شاملو، غلامعلی (۱۳۶۴). **پیری چیست؟ چرا پیر می شویم؟**، تهران: چهر.

۲۳. صادق مقدم، لیلی؛ فروغان، مهشید؛ محمدی شاه‌بلاغی، فرحناز؛ احمدی، فضل‌الله؛ فرهادی، اکرم؛ نظری، شیماء؛ صادقی، نرجس خاتون (۱۳۹۴). «ادراک پیری در سالمندان: یک مطالعه مروری»، نشریه سالمند، دوره ۱۰، ش ۴، صص ۲۰۹-۲۰۲.
۲۴. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۱). **المیزان فی تفسیر القرآن**، قم: اسماعیلیان.
۲۵. ظهیری، هوشنگ؛ فتحی، سروش (۱۳۹۰). «مدیریت خانواده در نظریه‌های جامعه‌شناسی در مقایسه با نظریه علامه طباطبائی» پژوهشنامه قرآن و حدیث، شماره ۷، صص ۹۹-۱۲۰.
۲۶. عباسی دره‌بیدی، احمد؛ محمودیان، سیداحمد؛ جمینی، داود (۱۳۹۵). «کرامت انسانی از منظر آیات قرآن و سیره رضوی با توجه به آثار و نتایج آن در زندگی فردی- اجتماعی»، مجموعه مقالات برگزیده همایش کرامت انسانی از سری برنامه‌های چهاردهمین جشنواره بین‌المللی امام رضا(ع)، زنجان، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی، مرداد ماه.
۲۷. عطایی، فاطمه؛ منصوری، نجمه (۱۳۹۴). «شاخص‌ها و ویژگی‌های تربیت دینی با تأکید بر سیره ی رضوی»، مجموعه مقالات همایش خانواده و سبک زندگی در فرهنگ رضوی، از سری برنامه‌های ۱۳ جشنواره بین‌المللی امام رضا(علیه السلام) مشهد: کمیته امداد امام خمینی(ره).
۲۸. فتال نیشابوری، محمد بن حسن (۱۳۷۵). **روضه الواعظین و بصیر المتعظین**، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، قم: ایران.
۲۹. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵ش). **اصول کافی**، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۰. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۳). **جامعه‌شناسی**. ترجمه منوچهر صبوری، چاپ سیزدهم، تهران: نی.
۳۱. ماکویی، سویل (۱۳۹۱). «تکریم سالمندان در فرهنگ مردم؛ جایگاه خرد و تجربه»، فصلنامه فرهنگ مردم ایران، شماره ۳۱، صص ۷۱-۵۴.
۳۲. مجلسی محمد باقر (۱۴۰۴). **بحار الانوار** (دوره ۱۱۰ جلدی)، بیروت: موسسه الوفاء.
۳۳. مخبر، نغمه (۱۳۸۸). **افسردگی در سالمندان**، تهران: قطره.
۳۴. مطهری نیا، مهدی (۱۳۸۴). **دیرینه‌شناسی و تبارشناسی گفتمان امنیت در ایران**، تهران: پرسمان.
۳۵. نادری، محمد (۱۳۸۵). «اهمیت امنیت در اسلام»، فصلنامه دانش انتظامی، دوره ۸ شماره ۱، صفحات ۹۲-۱۱۷.
۳۶. ناصرعلی، عبدالله (۱۳۷۷). **معجم البسیط**، مشهد: انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
۳۷. نخستین، حمید (۱۳۹۳). «بازنشستگی؛ دوره فرهیختگی»، گنجینه‌های خرد؛ ویژه نامه همایش ملی تجلیل از بازنشستگان و مستمری بگیران، مهرماه ۱۳۹۳، ضمیمه شماره ۷۵۵ هفته نامه تأمین.
۳۸. نوری، حسین (۱۴۰۷ق)، **مستدرک الوسائل**، چاپ اول، قم: موسسه آل البيت.
۳۹. ویتز، پل (۱۳۸۳). «پاسخ دین و دولت در قبال بحران خانواده»، نشریه سیاحت غرب، سال دوم، شماره ۹، صص ۸۵-۷۵.

40. - Anderberg P, Berglund A-L.(2010) Elderly persons' experiences of striving to receive care on their own terms in nursing homes. *International Journal of Nursing Practice*; 16(1):64-8.
41. Bircchkhead, Loreta M,(1998), psychiatric mental health Nursing, the therapeutic use of self. Philadelphia: J.B. Lipincott Co
42. Kinsella K, Phillips DR.(2005) Global Aging: The Challenge of Success. Population Bulletin, *Population Reference Bureau*; 60 (1): 1-5.
43. Lunenfeld B.(2002) The ageing male: demographics and challenges *World Journal of Urology*; 20(1):11-6.
44. Smeltzer S, Bare B, Hinkle J, Cheever K, Tingberg B, Bredlöv B, et al.(2010), *On the web. Nursing made Incredibly Easy*.

45. Weeks D.(1994) A review of loneliness with particular reference to old age *International Journal of Geriatric Psychiatry*; 9 (5): 345-355.